

# تبلیغ و ترویج

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال دوم - شماره چهارم

بهار و تابستان ۱۴۰۳

## بدعت نبودن عزاداری برای امام حسین علیه السلام در مذهب اهل سنت (با استناد به سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)

حجت الاسلام والمسلمین سید تقی واردی \*

### اشاره

ابن تیمیه و پیروان افراطی وی ادعا دارند که گریستن در مرگ عزیزان و اقامه عزا برای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام روا نیست؛ بلکه بدعت، حرام و موجب شرک است؛ حال آن که سنت نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خلاف آن را ثابت می کند. آن گونه که از منابع اهل سنت به دست می آید، گریستن بر مرگ عزیزان، جایز و بلا مانع است. موارد فراوانی وجود دارد که پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مرگ عزیزان خود گریست. روایات فراوانی نیز از همسران و صحابه آن حضرت وجود دارد که وی شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را پیشگویی می کرد و بر آن می گریست. ایشان خود پایه گذار عزاداری برای امام شهیدان، حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَام بوده است؛ بدین جهت، ادعای «بدعت بودن عزاداری برای امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و شهادی کربلا» اعتباری ندارد. بسیاری از علمای اسلام (مذاهب مختلف)، ابن تیمیه و معتقدات وی و همفکران افراطی وی را مردود دانسته و آنان را «منحرف از اسلام» معرفی کرده اند.

### مشروعیت عزاداری برای سید الشهدا عَلَيْهِ السَّلَام

عزاداری و گریه بر امام شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَام در نزد همه مذاهب اسلامی هم مشروع و مباح است هم بسیار پسندیده، مستحب، دارای پاداش الهی و نشانه اعتقاد عمیق امت اسلام به اهل بیت عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَام است. این مسئله نزد پیروان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و شیعیان

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

هر سه مذهب رایج امامی اثناعشری، زیدی و اسماعیلی) مبرهن و پذیرفته شده است و در آن هیچ‌گونه تردید و ابهامی وجود ندارد؛ اما نزد پیروان اهل سنت (از هر چهار مذهب رایج شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی) نیز پذیرفته شده است؛ ولی برخی از سلفیان که خود را به یکی از مذاهب اهل سنت می‌چسبانند، نسبت به عزاداری برای امام حسین علیه السلام و حتی گریستن در مرگ عزیزان، موضع منفی گرفته و نه تنها آن را مردود می‌شمارند، بلکه آن را بدعت در دین می‌دانند و چه بسا معتقدان به عزاداری را تکفیر نموده و به آنان نسبت شرک می‌دهند؛ در حالی که مذاهب رسمی اهل سنت، چنین موضع افراطی و منفی را از خود بروز ندادند و بسا با پیروان اهل بیت علیهم السلام در این مسئله هم‌عقیده‌اند؛ نمونه این که احمد بن حنبل، پیشوای حنبلیان در روایتی صحیح از ربیع بن منذر چنین آورده است:

عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ مُنْذِرٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: كَانَ حُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ يَقُولُ: مَنْ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ فِينَا دَمْعَةً أَوْ قَطَرَتْ عَيْنَاهُ فِينَا قَطْرَةً، أَثَوَاهُ اللَّهُ، عَزَّوَجَلَّ الْجَنَّةَ؛<sup>۱</sup>

ربیع بن منذر نقل کرد که پدرش چنین گفت: حسین بن علی علیه السلام، همیشه می‌فرمود: هر کس چشمانش برای ما پر از اشک شود یا قطره اشکی برای ما بریزد خداوند او را در بهشت جای خواهد داد.

با این که پیشوایان سایر مذاهب اهل سنت نیز چنین روایاتی را نقل کرده‌اند برخی از سلفیان با استناد به برخی از روایات ناصحیح و حتی روایات موضوعه، در باب عزاداری برای امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا و سایر ائمه اطهار و اهل بیت علیهم السلام ایجاد تردید و شبهه نموده‌اند. برخی مانند ابن تیمیه و پیروانش پا را فراتر گذاشته و آن را بدعت در اسلام نامیدند. گرچه دیدگاه افراطی و باطل آنان از اندیشه خارجی‌گری‌شان سرچشمه گرفته و موجب اختلاف میان امت اسلامی شده و هیچ پایه و اساسی برای آن‌ها وجود ندارد، در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای، تلاش خواهیم کرد سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در گریستن و سوگواری و عزاداری در مرگ عزیزان را از منابع معتبر اهل سنت نقل و بررسی نموده و باطل بودن نظرات ابن تیمیه و وهابیان مخالف اهل بیت علیهم السلام را به اثبات برسانیم.

### ادعای بدعت بودن عزاداری

در میان علمای اسلام (شیعه و اهل سنت)، پیش از هر کس، ابن تیمیه با استناد به برخی از

۱. احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۶۷۵، ح ۱۱۵۴.

بدعت نبودن عزاداری برای امام حسین علیه السلام در مذهب اهل سنت ■ ۲۱

روایات، مدعی شده که عزاداری برای امام حسین علیه السلام و هرگونه اقامه ماتم و نوحه‌گری برای مردگان حرام و بدعت در دین است و بر پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام را به سبب عزاداری برای شهدای کربلا تاخت و نسبت‌های ناروا داد.

بعد از او، شاگردش ابن قیم جوزی نیز سرِ ناسازگاری با پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام داشت و آنان را به شرک متهم کرده است. بعدها محمد بن عبدالوهاب (مؤسس مسلک وهابیت) و پیروان و هم‌عقیده‌های او همین راه را طی نموده و به‌ناحق سخنان فراوانی منتشر کردند؛ برای نمونه، ابن تیمیه در کتاب منهاج السنة، برپایی سوگواری را با استناد به روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حماقت‌های شیعه بیان می‌دارد.<sup>۱</sup>

او در جای دیگر این کتاب قائل است که شیطان به علت کشته شدن حسین، رضی الله عنه برای مردم دو بدعت به وجود آورد: نخست اندوهگین شدن و بدعت نوحه‌سرایی در روز عاشورا، از ضربه‌زدن بر خود و صیحه و گریه و تشنگی کشیدن و مرثیه‌سرایی‌ها و دوم توسعه دادن آن‌ها به سب و لعن درگذشتگان و داخل کردن کسانی که در ماجرای عاشورا دخیل نبوده و با گناهکاران همراه نبودند.<sup>۲</sup>

وی در کتاب السنة و البدعة گفت:

پس طائفه نادان و ستمگر، یا طائفه ملحد منافق و طائفه گمراه منحط (شیعیان) به این سمت کشیده شده‌اند که برای اظهار ولایت مولایشان حسین، رضی الله عنه و ولایت اهل بیت او، روز عاشورا را روز ماتم و اندوه و نوحه‌گری خود قرار داده و شعار جاهلیت، مانند ضربه زدن به صورت و پاره کردن جامه و عزاداری همانند عزاداری جاهلیت را اظهار و ابراز دارند.<sup>۳</sup>

محمد بن عبدالوهاب (پایه‌گذار مسلک وهابیت) نیز به تبعیت از ابن تیمیه یکی از کارهای زشت رافضی‌ها را این می‌داند که روز مرگ حسین، رضی الله عنه را روز ماتم قرار می‌دهند؛ ترک

۱. ابن تیمیه، منهاج السنة النبویة، ج ۱، ص ۵۳.

۲. همان، ج ۴، ص ۵۵۴.

۳. ابن تیمیه، کتاب السنة و البدعة، ص ۲۰۰.

زینت کرده و حزن خود را ابراز و نوحه‌گری و گریه و زاری می‌کنند.<sup>۱</sup>

### پاسخ به ادعای بدعت بودن عزاداری

به این ادعای واهی و شبهه فکری دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام از جهات مختلف می‌توان پاسخ داد که در این نوشتار، تنها به بُعد سیره نبوی می‌پردازیم که همه مذاهب و طوایف اسلامی آن را پذیرفته‌اند.

#### ۱. گریه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مرگ عزیزان

گریستن و عزا گرفتن برای از دست دادن عزیزان، امری فطری و از شدت محبت انسان به شخص وفات یافته سرچشمه می‌گیرد و نشان‌دهنده حس عاطفی افراد به یکدیگر است و نباید آن را با کفر و شرک درهم آمیخت. در تاریخ المدینه آمده است هنگامی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در ابواء بر روی قبر مادرش آمنه بنت وهب گریه کرد، برخی بر او خرده گرفته که چرا گریه می‌کنید؟ آن حضرت فرمود: «فَأَخَذَنِي مَا يَأْخُذُ الْوَالِدَ لِلْوَالِدِ مِنَ الرَّقَّةِ؛ فَذَلِكَ الَّذِي أَبْكَانِي»؛<sup>۲</sup> آن حسی که بین فرزند و پدر از رقت قلب وجود دارد، مرا فرا گرفت و به گریه آورد.

این سخن پیامبر یعنی، گریه بر درگذشتگان امری عاطفی و انسانی است؛ اما اگر از روی ناسپاسی و نارضایتی و یا کفرگویی به خدای سبحان باشد، حرام و موجب ارتداد یا برودهنده الحاد فرد است؛ ولی این حالت برای گریستن یا غیر گریستن انسان تفاوتی ندارد. موارد متعددی در تاریخ زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وجود دارد که آن حضرت در مرگ عادی یا شهادت عزیزان خود گریست و دیگران را گریاند که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در موارد زیر مشاهده کرد:

#### الف. گریه در فراق مادر

در صحیح مسلم، مسند احمد، سنن أبی داود، سنن نسائی و سنن ابن ماجه و بسیاری از منابع معتبر اهل سنت، این روایت از ابوهریره نقل شده که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله قبر مادرش را در ابواء زیارت کرد و خود بسیار گریه کرد و همراهان و اطرافیان را گریاند. در صحیح مسلم، به این گونه نقل شده است: «ابوهریره گفت: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قبر مادرش را

۱. محمد بن عبدالوهاب، رساله فی الرد علی الرافضة، ص ۴۶.

۲. ابن شهبه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۱۸.

زیارت کرد؛ پس خود گریه کرد و همه اطرافیانش را گریاند.<sup>۱</sup>

در مستدرک حاکم نیشابوری آمده: «عن سلیمان بن بریده، عن ابیه، قال: زار النبی، صلی الله علیه و آله وسلم قبر امّه فی الف مقنع، فلم یر باکیا اکثر من یومئذ»؛<sup>۲</sup> پیامبر ﷺ قبر مادرش (آمنه بنت وهب را در ابواء) به همراه هزار نفر نقابدار (رزمنده) زیارت کرد؛ پس هیچ‌گاه آن حضرت دیده نشده بود که مثل آن روز گریه کرده باشد. حاکم نیشابوری در پایان حدیث افزود: «هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین ولم یخرجاه».

ابن شبه نمیری نیز این روایت را چنین نقل کرد:

چون پیامبر خدا ﷺ مکه را فتح کرد (در بازگشت از مکه) به حرم قبری رسید و در آنجا نشست و همراهان او نیز دورش حلقه زده و نشستند. وی آن قبر را همانند شخص زنده، مخاطب خود قرار داده بود و پس از ساعتی برخاست؛ درحالی که گریه می‌کرد. در این هنگام عمر بن خطاب که بیش از دیگران نسبت به آن حضرت جرئت داشت، به نزدش رفت و گفت: پدر و مادرم فدای تو ای رسول خدا! چه چیزی تو را گریاند؟ فرمود: قبر مادرم. من از خدا اذن خواستم که او را زیارت کنم. به من اذن داد و از خواستم برایش استغفار کنم، به من اذن نداد؛ پس من به یادش افتادم و در کنار قبرش نشستم و برایش گریستم.<sup>۳</sup>

بر اساس این روایات، گریه پیامبر ﷺ و همراهان او در مکان ابواء بر روی قبر مادرش آمنه بنت وهب، از مسلمات تاریخ و غیر قابل انکار است.

### ب. گریه در شهادت حمزه ابن عبدالمطلب رضی الله عنه

پیامبر اکرم ﷺ در شهادت عمومی خویش حمزه ابن عبدالمطلب رضی الله عنه بسیار گریه کرد و در بازگشت از جنگ احد به مدینه، مردم را به عزاداری برای وی و شهدای احد وادار نمودند. مورخان اهل سنت در منابع تاریخی خود، مانند استیعاب، اسد الغابه، اصابه و تاریخ ابن اثیر، این مطلب را در عبارات گوناگون بیان کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

عبدالله بن مسعود روایت کرد: رسول خدا ﷺ در شهادت حمزه به شدت گریست که مانند

۱. مسلم بن حجاج نیشابوری، المسند الصحیح المختصر، ج ۲، ص ۶۷۱.

۲. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۷۱۰.

۳. ابن شبه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۱۱۸.

آن را از آن حضرت ندیده بودیم. جنازه او را در قبله نهاد و آن گاه ایستاد و با صدای بلند گریه سر داد تا این که بیهوش شد و پس از آن فرمود: ای عموی رسول خدا! ای شیر خدا و شیر رسول خدا! ای حمزه! ای انجام دهنده کار خیر! ای حمزه! ای بر طرف کننده سختی ها از پیامبر! ای کسی که دشمن را از برابر رسول خدا دور کرده و وجود او را نگهداری نمودی!

### ج. گریه در شهادت جعفر طیار ع

منابع معتبر اهل سنت، گریه پیامبر اکرم ص در شهادت جناب جعفر بن ابی طالب ع، معروف به جعفر طیار در ماجرای جنگ موته را گزارش کرده اند.

بلاذری این واقعه را چنین گزارش نمود:

هنگامی که خبر شهادت جعفر رسید، پیامبر ص بر اسماء بنت عمیس وارد شد و این مصیبت را به او تسلیت گفت. در همین هنگام حضرت فاطمه ع وارد شد؛ در حالی که گریه می کرد و می گفت: وای عمویم! پس رسول خدا ص فرمود: به راستی که گریه کنندگان، باید بر مثل جعفر بگریند. آن گاه منصرف شد و به خانه خود رفت و به اهل خانه خود فرمود که برای خانواده جعفر طعامی تهیه کنند. خود آن حضرت متوجه آنان بود و عبدالله پسر جعفر را در آغوش می گرفت و بر سرش دست می کشید؛ در حالی که اشک از چشمان آن حضرت جاری بود و دست به دعا برد و فرمود: بار خدایا! در آل جعفر افرادی را به یادگار بگذار که بهترین کسانی باشند از بندگان صالح تو که تاکنون آفریدی.<sup>۲</sup>

### د. گریه برای شهدای موته

سریه موته، در سال هشتم هجری قمری در سرزمین شام به فرمان رسول خدا ص جهت دفع تجاوزها و شرارت های نیروهای وابسته به امپراتوری روم، واقع گردید و در آن جنگ نابرابر سه تن از فرماندهان به ترتیب: زید بن حارثه، عبدالله بن جعفر و عبدالله بن رواحه به شهادت رسیدند و پیامبر خدا ص و سایر صحابه در شهادتشان گریستند.

این موضوع در منابع متعدد اهل سنت درج شده است؛ از جمله در صحیح بخاری آمده:

عن أنس رضي الله عنه: أن النبي ص نعى زيدا و جعفرا و ابن رواحة للناس قبل أن

۱. ابوالفرج حلبی، سیرة الحلبیة، ج ۲، ص ۳۳۵ و ملاعلی قاری هروی، شرح مسند ابی حنیفة، ج ۱، ص ۵۲۶.

۲. بلاذری، أنساب الاشراف، ج ۲، ص ۴۳.

بدعت نبودن عزاداری برای امام حسین علیه السلام در مذهب اهل سنت ■ ۲۵

يَأْتِيهِمْ خَبْرُهُمْ؛ فَقَالَ: أَخَذَ الرَّايَةَ زَيْدٌ فَأَصِيبُ؛ ثُمَّ أَخَذَ جَعْفَرٌ فَأَصِيبُ؛ ثُمَّ أَخَذَ ابْنُ رَوَاحَةَ فَأَصِيبُ وَ عَيْنَاهُ تَدْرِفَان. حَتَّى أَخَذَ الرَّايَةَ سَيْفٌ مِنْ سَيْوْفِ اللَّهِ؛ حَتَّى فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ؛<sup>۱</sup> پیامبر چگونگی شهید شدن زید و جعفر و ابن رواحه را، پیش از رسیدن خبر آنان، برای مردم توصیف کرد و فرمود: زید پرچم را برگرفت و ضربت خورد و شهید شد؛ سپس جعفر پرچم را برگرفت؛ او نیز شهید شد؛ پس از آن ابن رواحه پرچم را گرفت و شهید شد. پیامبر در حالی که اشک از دیدگانش جاری بود، فرمود: تا این که پرچم را رزمنده‌ای از رزمندگان خدا گرفت تا برایشان پیروزی را به ارمغان آورد.

#### هـ گریه بر فرزندش جناب ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام

خداوند متعال در مدینه منوره، در سال هشتم هجری، یک پسر از بانو ماریه قبطیه به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عنایت نمود که نامش را ابراهیم گذاشت؛ ولی این فرزند دل‌نشین در سال دهم هجری در شانزده و به روایتی در هجده ماهگی از دنیا رفت و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت او را در اندوه و ماتم فرو برد و آن حضرت در رحلتش گریست؛ به گونه‌ای که موجب اعتراض برخی از صحابه گردید. این ماجرا در صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود و سنن ابن ماجه از انس بن مالک روایت گردید.

#### صحیح بخاری نقل کرد:

از انس، رضی الله عنه روایت است که می‌گوید: همراه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نزد دایه ابراهیم، به نام ابوسیف قین رفتیم. رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ابراهیم را بوسید و بغل گرفت. بعد از آن، دوباره نزد او رفتیم. ابراهیم داشت جان می‌داد. رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نزد فرزندش ابراهیم (رض) رفت که در حال جان دادن بود. چشمان رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پر از اشک شد. در این وضعیت، عبدالرحمن بن عوف (رض) گفت: ای رسول خدا! شما هم می‌گریید؟ پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ای فرزند عوف! این رحمت است و به گریستن ادامه داد و فرمود: چشم می‌گرید و قلب اندوهگین است و ما سخنی نمی‌گوییم؛ جز آنچه پروردگاران را خشنود سازد. ای ابراهیم! ما از فراق تو اندوهگینیم.<sup>۲</sup>

۱. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۷، ص ۵۸۵، ح ۴۰۱۴.

۲. بخاری، صحیح البخاری، ج ۲، ص ۸۳.

غیر از این نیز موارد فراوانی وجود دارد که آن حضرت بر سایر بستگان یا صحابه خود گریستند و عملاً نشان داده‌اند که گریه کردن و عزا گرفتن برای مردگان هیچ منعی ندارد؛ مگر آن‌که غیر از گریستن، مرتکب کار حرامی مثل صورت خراشیدن گردد.

## ۲. گریه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مظلومیت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام

در منابع اهل سنت، مواردی وجود دارد که پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مظلومیت و شهادت سبط دومش، حضرت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در مناسبت‌های گوناگون گریست که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

### الف. حدیث ام سلمه

طبرانی از سلفیان معروف اهل سنت از بانو ام سلمه همسر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کرد:

كَانَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا يَلْعَبَانِ بَيْنَ يَدَيِ النَّبِيِّ، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ، فِي بَيْتِي؛ فَنَزَلَ جِبْرِئِيلُ، عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ أُمَّتَكَ تَقْتُلُ إِبْنَكَ هَذَا مِنْ بَعْدِكَ؛ فَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى الْحُسَيْنِ، فَبَكَى رَسُولُ اللَّهِ وَضَمَّهُ إِلَى صَدْرِهِ؛<sup>۱</sup>

زمانی حسن و حسین در خانه من جلوی پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بازی می‌کردند. در همین هنگام جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد! همانا امت تو بعد از رحلت پسرت را می‌کشند و با دست به حسین اشاره نمود؛ پس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گریست و حسین را در آغوش گرفت.

### ب. حدیث عائشه

طبرانی از بانو عائشه همسر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کرد:

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حال شنیدن وحی بود که حسین (رض) وارد شد و بر سر و دوش حضرت بالا می‌رفت و با او بازی می‌کرد. جبرئیل از پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید: آیا حسین را دوست می‌داری؟ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: چرا دوست نداشته باشم؟ جبرئیل گفت: امت تو به زودی او را می‌کشند؛ سپس جبرئیل دستش را دراز کرد و مقداری از خاک سفید را برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورد و گفت: فرزندان در سرزمینی به نام طفّ کشته می‌شود. چون جبرئیل از محضر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خارج شد، حضرت در حالی که خاک در دست داشت، گریه

۱. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۰۸.



می کرد.<sup>۱</sup>

### ج. حدیث ام الفضل

در تاریخ دمشق از بانو ام الفضل (همسر عباس بن عبدالمطلب) چنین آورده است:  
بر پیامبر خدا ﷺ وارد شدم و گفتم: ای رسول خدا! من در شب گذشته خواب ناخوشایندی دیدم. فرمود: چه دیده‌ای؟ گفتم: خیلی سخت است. فرمود: چیست؟ گفتم: دیدم گویا قطعه‌ای از جسد شما جدا شد و در دامنم قرار گرفت. رسول خدا ﷺ فرمود: چیز خوبی دیده‌ای؛ فاطمه حامله است و پسری به دنیا می‌آورد و در دامن تو جای می‌گیرد. ام الفضل گفت: پس از آن، فاطمه همان‌گونه که پیامبر ﷺ فرموده بود حسین را به دنیا آورد و او در دامن من جای گرفت. روزی خدمت رسول خدا ﷺ رسیدم و حسین را در دامن آن حضرت نهادم. اندکی بعد توجهش از من منحرف شد. ناگاه دیدم دیدگان پیامبر ﷺ سیل آسا اشک می‌بارد. گفتم: ای نبی خدا! پدر و مادرم به فدایت! شما را چه می‌شود؟ فرمود: جبرئیل به دیدارم آمد و به من خبر داد که اتمم به زودی این پسر را می‌کشند.<sup>۲</sup>

این روایت را برخی از منابع دیگر اهل سنت نقل کرده‌اند؛ از جمله حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۹۴ و ابن کثیر در البدایة و النهایة، ج ۶، ص ۲۵۸. از مجموع آن‌ها دانسته می‌گردد که رسول خدا ﷺ نه تنها نهی و منعی از عزاداری امام حسین علیه السلام نداشته، بلکه خود پایه‌گذار سنت حسنه گریستن برای امام حسین علیه السلام و اقامه عزا برای مظلومیت وی، به‌شمار می‌آید.

حال بعد از مرور این گفتار، از پیروان ابن تیمیه و وهابیان افراطی که مدعی پیروی از سنت رسول خدا ﷺ می‌باشند، این پرسش را داریم که چرا شما از این سنت پیامبر صلی الله علیه و آله تبعیت نکرده و برای مردگان، به‌ویژه برای حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام که با ظلم و جور بنی امیه و ظالمان و جنایتکاران عصر خود به شهادت رسیده، عزاداری نمی‌کنید؟ حال که عزاداری که نمی‌کنید، با

۱. همان، ج ۳، ص ۱۰۷.

۲. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۴، ص ۱۹۶.

چه منطقی آن را حرام دانسته و به عزاداران آن حضرت، نسبت شرک می دهید؟ آیا از دیدگاه شما، کسی که از سنت رسول خدا ﷺ پیروی می کند مستحق تکفیر است یا کسی که مخالفت می کند و در عین حال، داغ تر از بقیه ادعای توحید محض کرده و عملاً با سنت رسول خدا ﷺ مخالفت می کند؟

### ۳. مخالفت علمای اسلام با اندیشه‌های افراطی سلفیان

شایان ذکر است، اندیشه خارجی‌گری و مخالفت و دشمنی با اهل بیت علیهم‌السلام و پیروان آنان، در میان علمای سلفی مشرب، از قاضی ابوبکر بن محمد بن عبدالله عربی اشبیلی، معروف به ابن عربی (۴۶۸-۵۴۳) آغاز گردید و احمد بن عبدالحلیم، معروف به ابن تیمیه (۶۶۱-۷۲۸) آن را بارور ساخت و محمد بن ابی‌بکر بن ایوب زرعی دمشقی، معروف به ابن قیم جوزی (۶۹۱-۷۵۱) آن را تداوم بخشید تا رسید به محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۵-۱۲۰۶) که با همدستی محمد بن سعود (مؤسس حکومت آل سعود) آن را در جزیره العرب با زور و جنگ و کشتار بی‌رحمانه، به عنوان یک حکم حکومتی بر مردم تحمیل کرد.

گرچه وهابیان و اسلافشان، خود را مسلمان ناب و حنفی مذهب می دانند، همان‌گونه که برخی از علمای اهل سنت گفته‌اند، آنان پیرو این مذهب و هیچ مذهب دیگری از مذاهب اهل سنت نیستند؛ بلکه پیرو مسلکی هستند که با پشتیبانی استعمار غرب و استکبار جهانی رنگ مذهبی به خود گرفته و با چنگ انداختن به ذخایر مادی و منابع نفتی کشورهای جزیره العرب، روز به روز بر قدرت خویش افزودند و سایر کشورهای عربی و کشورهای فقیر اسلامی را تحت تأثیر خود قرار دادند؛ به گونه‌ای که بسیاری از علما و مبلغان اهل سنت کشورهای اسلامی و غیر اسلامی را به خود وابسته نموده و در خدمت نظام مذهبی خشونت، تکفیر و عداوت‌گستری وهابیت قرار دادند.

علاوه بر علمای شیعه و پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، بسیاری از علمای اهل سنت (از همه مذاهب چهارگانه) از قدیم و جدید، در نقد و رد دیدگاه ابن تیمیه و پیروانش، کتاب و رساله نوشتند؛ مانند تقی‌الدین سُبکی، ابن حجر عسقلانی، ابن هیثمی، ملاقاری حنفی، شاکر کتبی، محمود کوثری مصری، یوسف بن اسماعیل بن یوسف و حصنی دمشقی.

از باب نمونه، تقی‌الدین سُبکی درباره ابن تیمیه گفت:

او در پوشش پیروی از کتاب و سنت در عقاید اسلامی بدعت گذاشت و ارکان اسلام را در هم شکست. او با اتفاق مسلمانان به مخالفت برخاست. سخنی گفت که لازمه آن

بدعت نبودن عزاداری برای امام حسین علیه السلام در مذهب اهل سنت ■ ۲۹

جسمانی بودن خدا و مرکب بودن ذات اوست... و با این سخنان حتی از ۷۳ فرقه هم بیرون رفت.<sup>۱</sup>

نویسنده کتاب فیض الباری علی صحیح البخاری نیز در رد دیدگاه ابن تیمیه گفت: «سخن او به اهل تشبیه نزدیک است».<sup>۲</sup> وی درباره محمد بن عبد الوهاب نیز گفت: «اما محمد بن عبد الوهاب نجدی شخصی احمق و کم علم بود که در حکم به کفر عجله می کرد و شایسته نیست به جز فرد آگاه و متقن و دانا به وجوه کفر و اسبابش در آن وارد شود».<sup>۳</sup>

ابن حجر مکی نیز درباره گمراهی و باطل بودن اعتقادات ابن تیمیه نوشت:

اما ابن تیمیه بنده ای است که خدا او را خوار، گمراه، کور و کر گردانیده است و پیشوایان اهل سنت و معاصرین وی، از شافعی ها، مالکی ها و حنفی ها بر فساد افکار و اقوال او تصریح دارند... سخنان ابن تیمیه فاقد ارزش بوده و او فردی بدعت گذار، گمراه و گمراه کننده و نامتعادل است. خداوند با او به عدالت رفتار نماید و ما را از شر عقیده و راه و رسم وی حفظ نماید.<sup>۴</sup>

### کتاب نامه

۱. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، محقق: علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، کتاب السنة و البدعة (از مجموعه کتاب های الفتاوی الکبری)، محقق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.
۳. \_\_\_\_\_، منهاج السنة النبویه، محقق: محمد رشاد سالم، بی جا: جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه، ۱۴۰۶ ق.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، قاهره: دارالریان للتراث، ۱۴۰۷ ق.

۱. سبکی، الدرہ المضمینہ فی الرد علی ابن تیمیه، ص ۵.

۲. کشمیری هندی، فیض الباری علی صحیح البخاری، ج ۶، ص ۴۰۵، مورد ۶۹۳۰.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۵۲، مورد ۷۰.

۴. ابن مرزوق، التوسل بالنبی ﷺ و جهلة الوهابیین، ص ۲۳۴.

٥. ابن سعد، الطبقات الكبرى، بيروت: دار صادر، بی تا.
٦. ابن شبه، عمر بن شبه نمیری، تاریخ المدينة، محقق: فهیم محمد شلتوت، جده: [بی نا]، ١٣٩٩ ق.
٧. ابن عساکر، علی بن الحسین، تاریخ مدينة دمشق، ٨٠ جلد، محقق: علی شیری، دمشق: دارالفکر للطباعة و النشر، [بی تا].
٨. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، بيروت: دارالفکر، ١٤٠٧ ق.
٩. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، محقق: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت: دار إحياء الكتب العربية، بی تا.
١٠. ابن مرزوق، ابی حامد، التوسل بالنبي ﷺ و جهلة الوهابيين، استانبول: مكتبة ايشيق، ١٨٧٦ م.
١١. ابن هشام، عبدالملك بن هشام، السيرة النبوية، ج ٢، قاهره: مكتبة البابي الحلبي، ١٣٧٥ ق.
١٢. ابوالفرج حلبي، السيرة الحلبية، بيروت: دارالكتب العلمية، بی تا.
١٣. احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، محقق: وصی الله محمد عباس، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٣ ق.
١٤. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحيح البخاری، محقق: محمد زهير بن ناصر، بيروت: دار طوق النجاة، ١٤٢٢ ق.
١٥. بلاذري، احمد بن يحيى، أنساب الأشراف، محقق: سهيل زكار و رياض الزركلي، بيروت: دارالفکر، ١٤١٧ ق.
١٦. بيهقي، احمد بن الحسين، السنن الكبرى، محقق: محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، ج ٣، ١٤٢٤ ق.
١٧. حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحين، محقق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١١ ق.
١٨. سُبكي، تقی الدين علی بن عبدالکافي، الدرّة المضیة فی الرد علی ابن تیمیة، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٣٣ ق.
١٩. طبرانی، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، ج ٢، قاهره: مكتبة ابن تیمیة، ١٤١٥ ق.
٢٠. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ٢، بيروت: دارالتراث، ١٣٨٧ ق.
٢١. کشمیری هندی، محمد انورشاه بن معظم شاه، فیض الباری علی صحيح البخاری، محقق: محمد بدر عالم الميرتهی، [بی جا]، [بی نا] ١٤٢٦ ق.

بدعت نبودن عزاداری برای امام حسین علیه السلام در مذهب اهل سنت ■ ۳۱

۲۲. محمد بن عبدالوهاب، رسالة في الرد على الرافضة، محقق: ناصر بن سعد الرشيد، رياض: جامعة الامام محمد بن سعود، بی تا.

۲۳. مسلم بن حجاج نیشابوری، المسند الصحيح المختصر، محقق: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۲۴. ملا علی قاری حنفی، علی بن محمد، شرح مسند ابی حنیفه، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۵ ق.

۲۵. نسائی، احمد بن شعیب، السنن للنسائی، محقق: عبدالفتاح ابوغدة، ج ۲، حلب: مکتب المطبوعات الاسلامیة، ۱۴۰۶ ق.